

به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن

در آغاز سال تحصیلی در افغانستان متعلمات و محصلات از نعمت تعلیم و تحصیل محروم هستند



با گذشت دو دهه، یعنی ۲۰ سال که از شکست طالبان و خودمختاری دوباره آنان سپری گردید، نه تنها به مناسبت تغییرات محیطی جهانی و موجودیت نسل جدیدی از طالب و غیر طالب که به گمان اغلب باید با نظرات متری و باورمندی بهتری در مورد حقوق مرد و زن بار آمده باشند، بلکه با وعده های علنی ای گروه های مختلفه طالب و حتی جمعی که در قطر برای اشتراک در قدرت سیاسی تلاش داشتند، تصور میشد که دیگر آن افراط گرایی های غیر بشری بر علیه زن و دختر افغان بر جامعه افغانی تحمیل نخواهد گشت.

البته بعد از سقوط دولت قبلی و خودمختاریت کامل، بار بار وعده آزادی تعلیمات، تحصیلات و کار دختر و زن در مملکت از جانب اولیای طالبان وعده گردید؛ گرچه متأسفانه در آغاز شروع مکاتب، باوجود آمادگی کامل، در لیسه ها برای صنوف متوسطه و بالا تر از ششم زمینه مساعد نگردید. ولی در پوهنتون های سرتاسر کشور دختران تا ماه دسمبر گذشته به تحصیل پرداختند؛ این آرزو هم که متأسفانه برباد رفت و امروز به هزاران دختری که در صنوف مختلفه پوهنتون های سراسر کشور

با شرایطی که مجاز بود به تحصیل میپرداختند، قیود خانه نشینی و ممانعت تحصیلی اجرا گردیده است که موجبات ناامیدی و تأثرات فراوانی را بار آورده است.

جای نهایت تأثر و تألم است که هزاران محصل دختر خانه نشین اجباراً از همصنفان پسر خویش درخواست عدم اشتراک و تحریم حضور در ساعات درسی را نموده اند تا مبارزه ای باشد برای درخواست حق قشر اناث مملکت در راه تحصیل که باید از آنان به هیچ وجه صلب نگردد.

در نامه سرگشاده این محصلین دختر آمده است که: (میلیون ها دختر از سراسر افغانستان روز دوشنبه ۱۵ حوت با چشمان اشکبار به سوی شما خواهد نگرست و شجاعت و همراهی شما را تحسین خواهند کرد. محصلین عزیز سراسر افغانستان، ما سر شما صدا بلند می کنیم که پوهنتون را تحریم کنید).

گفته میشود که تعدادی از محصلات رد شده از پوهنتون در شهر کابل، به مناسبت آغاز سال تحصیلی به پوهنتون هم مراجعه نمودند که متأسفانه با ناامیدی راهشان مسدود گردید.



با وجود عدم امیدواری، محصلین به پشت دروازه پوهنتون کابل اجتماع کردند تا اگر اجازه ورود به صنوف درسی برای شان میسر گردد؛ ولی ناکام گردیدند

اوضاع اجتماعی زنان در افغانستان با تصامیم ضد و نقیضی که گویا نظریات گروه های مختلفه طالبان در زمینه اتخاذ می نمایند، همچنان رو به وخامت میرود. تنها مشکل و حالت حاد منع تحصیلات نیست که آینده سیاهی را بر قشر مؤنث اجتماع افغانی فراهم نموده است، بلکه در پهلوی هزاران دختری که راه تحصیلات شان قطع گردیده است، جامعه به قهقراء رفته و قطع و سکتگی رشته های تحصیلی، نابسامانی های غیر قابل جبرانی را بر اجتماع بیمار افغانی نازل می نماید؛ طوریکه سلسله مراتب تعلیم و تحصیل برهم خورده و ذخیره های علم و دانش هم مشتت میگردد.

معضله حاد دیگر، از نقطه نظر محدودیت در کار و فعالیت بیرون منزل زنان که باید ماشین اقتصاد خانواده را به پیش ببرند، نهایت طاقت فرسا و مصیبت امرار معاش هم غیر قابل جبران است که اجتماع امروز افغانستان را ملتهب و غیر قابل قبول ساخته است. زنانی که کار و فعالیت خویش را در بیرون از منزل از دست داده اند، در پهلوی وضع نا هنجار اقتصادی، به مشکلات روانی و یک آینده نهایت مبهم مواجه شده اند.

متأسفانه همانطور که از لحاظ شریعت اسلامی به حکم تأریخ هرگز مانعی در مقابل تعلیم و تحصیل زن و دختر مسلمان موجود نبوده است، محدودیت یا ممانعت کار زنان در خارج خانه هم هیچگاهی در جوامع اسلامی پذیرفته نشده و معضله ای را خلق ننموده است.

جای افسوس است که در چنین ایامیکه جوامع بشری در سرتا سر جهان روز زن را با حقوق و امتیازاتی که برای این نیمی از اجتماعات بشری تعیین گردیده، تجلیل مینمایند، زن مظلوم و محکوم افغان قرن ها به عقب رفته و به بربریت و عدم وجود حقوق حقه اسلامی و انسانی خویش در نهایت بدبختی و بیچارگی محکوم گردیده است.

تا زمانیکه معضله اشتراک نیمی از ملت افغانستان در امور اجتماعی اعم از امکانات تحصیل و سهولت های کار پذیرفته و روبراه نگردد، شرایط یک اجتماع سالمی که با موجودیت صلح و انکشاف اقتصادی

جامعه را به جانب استقرار و ثبات بکشاند میسر نمیگردد.

پایان